

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۰۴ / سال دهم / مهر ماه ۱۴۰۰ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



کمپین ۱۰/۲۰ متحد هستیم، متحد می مانیم



ماهنامه نشریه پیام سنديکا، پیام آور سنديکاهای کارگری ایران شماره ۱۰۴ / سال دهم / مهرماه ۱۴۰۰ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



در این شماره می خوانید:

سلام، سلام سنديکا ص ۱

ده سال آگاهی بخشی، ده سال پایداری ص ۲

اطلاعيه های سنديکاهای کارگری ص ۵

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۱۲

مهرگان شادباش! ص ۲۶

یکشنبه های اعتراض! ص ۲۷

مصاحبه مازیار کیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۲۹

چرا در پروژه ها حادثه رخ می دهد؟ ص ۳۱

وضعیت اقتصادی نامین اجتماعی! ص ۳۳

درس دستور ص ۳۴

گزارش میدانی! ص ۳۶

مصائب تحصیل در دوران کرونا ص ۳۷

یک ایرانی شهردار فرانکفورت شد ص ۳۹

تجلیل از مقام انسانیت، محمد حسین خوان یغما ص ۴۰

بر فراز قله خوان یغما ص ۴۱

اندر مصائب منشی مطبها ص ۴۲

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۴

چرا باید علوم انسانی بخوانیم؟ ص ۴۶

وضعیت نمایندگان مجلس سوئد ص ۴۷

علم و طبیعت ص ۴۸

معنی زندگی چیست؟ ص ۴۹

ظهور قدرت جهانی به نام چین! ص ۵۱

شیوه و سطح زندگی در جامعه سوسیالیستی ص ۵۲

حیات تحریریه سنديکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سنديکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سنديکا در تلگرام به آدرس

#کانال رسمی سنديکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

مراجعة کنید

پیام سنديکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سنديکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سنديکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سنديکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سنديکای کارگران فلز کارمکانیک

سنديکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سنديکای کارگران نقاش و تزئینات

سنديکای کارگران بنا

سنديکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

به مناسبت ۱۰مین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکا

سلام، سلام سندیکا

یئنه قاپنی دؤیدو
سندیکانین پیامی
سلام، سلام سندیکا
ای جاتیمین دوامی

دینم ده ایمانیم دا
داماریمدا قانیم دا
مسلکیم، مرامیم دا
سندیکانین مرامی

بوگونونومون دایاغی
قارانلیغین چیراغی
صاباحیمین بایراغی
سندیکانین قیامی

کارگرفلزکار شاعیر ذووالفقار کمالی

ترجمه:

به خانه ام دوباره آمد، پیام آور سندیکا، سلام سلام سندیکا، قدرت دهنده جانم

دینم و ای ایمانم، همچو خون در رگهایم، ای مسلک و مرامم، مرام من
سندیکاست.

تکیه گاه امروزم، چراغ شب های تارم، ای پرچم فردایم، تلاش های سندیکا

ده سال آگاهی بخشی، ده سال پایداری

با انتشار شماره ۱۰۴ از نشریه پیام سندیکا، تنها نشریه کارگری منتشره در ایران به صورت چاپی، پیام سندیکا ده ساله می شود.

با آغاز تلاش ها برای برپایی دوباره سندیکا‌های کارگری از اوایل دهه ۸۰ نیاز جنبش کارگری برای داشتن یک نشریه کارگری احساس شد. این وظیفه را اول مجله وزین اندیشه جامعه آقای عاشوری با ترتیب دادن مصاحبه هایی با پیشکسوتان سندیکایی شروع کرد. در همین راستا نشریه هایی چون آوای کار آقای فرج الهی، نشریه کارگر به همت کانون مدافعان حقوق کارگر، نشریه ندای کارگر به همت سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران، نشریه پیک سندیکا به همت سندیکای کارگران شرکت واحد در طی سالها منتشر شد ولی متأسفانه به دلیل شرایط سختگیرانه حاکمیت و نبود یک تحریریه با تجربه و پیگیر، این نشریه ها با توقف روبرو گردیدند.

با تلاش برای بازگشایی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، از اوایل سال ۱۳۸۴، امر آموزش کارگران و داشتن نشریه ای مختص به فعالیت های کارگری بیش از همه احساس می شد. با تولد نشریه های سندیکایی و دادن آگاهی و اخبار، این مشکل تا حدودی رفع شد اما آن جامعیتی که نشریه ای می بایست از صرف دادن اخبار کارگری مختص آن سندیکا، بیرون آمده و به نشریه ای آموزشی و درسنامه ای و چند وجهی تبدیل شود، هنوز راه درازی در پیش بود. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از همان آغاز با راهنمایی های اوس خلیل پرن از پیشکسوتان سندیکایمان اولویت اول را به پراکندن آگاهی و آموزش اختصاص داد. آموزش چند دوره ای سندیکایی توسط پیشکسوت کفاح آقای جواد مهران گهر، دعوت از کنشگران سندیکایی در جلسات سندیکای فلزکارمکانیک و حضور پیگیرانه مازیارگیلانی نژاد در هیات موسسان سندیکایی و انتقال تجربیات این هیات و به ویژه تجربیات روزمره کنشگران سندیکای شرکت واحد، ما را ارتقا کیفی داده و برای تلاشی نوین آماده کرد. از سال ۱۳۸۸ و با انتشار خبرنامه کارگری که اوایل به صورت ماهانه و سپس

به صورت دوهفته یکبار بین کارگران فلزکارمکانیک، کارگران نقاش، کارگران شرکت واحد پخش می شد، پایه یک نشریه سندیکایی از سوی ما گذاشته شد. در این خبرنامه که ابتدا به صورت فقط نشر اخبار کارگری صورت می گرفت کم کم نقد خبر و سپس تحلیل خبر نیز به آن اضافه شد. اما هنوز تا یک نشریه کارگری فاصله زیادی داشت. در اوایل سال ۱۳۹۰ سندیکا تصمیم به انتشار نشریه ای به نام «پیام فلزکار» گرفت که در ۱۰ مهر ۱۳۹۰ اولین شماره آن منتشر شد. با هم اندیشی های صورت گرفته با هیات مدیره های سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در اسفند سال ۱۳۹۱ برای انتشار نشریه ای متعلق به همه سندیکاهای و زبان گویای جنبش سندیکایی، با پیشنهاد ابراهیم مددی مسوول سندیکای کارگران شرکت واحد و باتغییر نام نشریه از «پیام فلزکار» به «پیام سندیکا» شماره ۱۷ در اردیبهشت سال ۱۳۹۲، جنبش سندیکایی دارای نشریه ای مختص به خود شد که تمامی کارهای فنی، تحریریه ای آن توسط کارگران سندیکا انجام می گرفت و می گیرد.

امروز خوشحالیم که این نشریه زبان گویای جنبش سندیکایی و همه کارگران گشته است و توانسته آموزش های لازم برای کنشگران سندیکایی را فراهم سازد. نشر تاریخ جنبش کارگری، تاریخچه سندیکاهای کارگری، زندگینامه رهبران سندیکایی، آموزش اقتصاد سیاسی، آموزش علمی تکامل، آموزش های سندیکایی، آموزش شناخت نئولیبرالیسم، و مجموعه شناخت تحولات اجتماعی و تحلیل های کارگری، معرفی کتاب های سودمند، بررسی مشکلات زنان کارگر، کودکان کار بخشی از مجموعه نوشته های پیام سندیکا است.

همچنان وام دار پیشکسوتان سندیکایی چون خلیل پرن، جوادمهران گهر، نبی معروفی، زنده یادان رضا فراهانی، علیرضا فرهادی، محمدحسین خوان یغما بوده و هستیم. از همه یارانی که طی ۱۰ سال به ما کمک کرده اند از صالح تا صادق و شباهنگ، یارمحمد و همه عزیزانی که با توصیه های مشفقانه خود در این سالها یاریگر ما بوده اند، سپاسگزاریم.

هیات تحریریه پیام سندیکا ۱۰ مهر ۱۴۰۰



پیام سنديکا

شماره ۲۰

مرداد ۹۲

هیات تحریریه سنديکای کارگران فلزکار مکانیک



شناسه:

سنديکای کارگران فلزکار مکانیک، تاسیس: ۱۳۳۹، ثبت وزارت کار: ۳۴
سنديکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تاسیس:

۱۳۴۷، ثبت وزارت کار: ۴۲۶

سنديکای کارگران نقاش و تزئینات، تاسیس: ۱۳۴۸

سنديکای کارگران نیشکر هفت تپه، تاسیس: ۱۳۵۳

پیکرها بر خاک، آرمان‌ها برپاست!



محمدحسین خوان یغما، بازمانده ای از نسل شورای متحده مرکزی و بزرگان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک دهه ۴۰، به خواب ابدی رفت. او که از اواخر دهه بیست به جنبش سندیکایی پیوسته و اولین فعالیت کارگری را در سندیکای کارگران تسلیحات ارتش شروع کرده بود این راه را تا پایان عمر ادامه داد. او عاشق طبقه کارگر و جنبش کارگری بود. او که در جنبش کارگری دهه ۲۰ و ۳۰ آبدیده شده بود در دهه چهل توانست سندیکای کارگران فلزکارمکانیک را از کارگاههای کوچک تراشکاری و مکانیکی با کارخانه‌هایی چون پارس آمریکا، آزمایش، جیب سازی، لیلاند موتورز، ارج و فولکس پیوند دهد. فعالیت و خوش فکری محمدحسین خوان یغما و عضویت در هیات مدیره سندیکا باعث فعال شدن بخش ورزشی سندیکای فلزکارمکانیک، در بخش های کوهنوردی و فوتبال و بوکس گردید. فعالیت های کوهنوردی گروه کوهنوردان فلزکار آنچنان درخشان بود که در کارخانه آزمایش در سال ۱۳۴۲ و در شرکت اتوبوسرانی واحد در سال ۱۳۴۷ نیز گروههای کوهنوردی تاسیس شد. او تنها یک کنشگر کارگری نبود شاعری خوش قریحه، نمایشنامه نویس،

بازیگر تئاتر، سازماندهی حرفه ای در کوهنوردی، شاعر، مترجم و نویسنده ای کارگری که تا آخرین دم حیات از نوشتن باز نایستاد. از او بیش از ۲۰ کتاب به جا مانده است.

محمدحسین خوان یغما با جدیت فعالیت های سندیکایی ما را رصد کرده و هر ماهه نشریه پیام سندیکا را به دقت می خواند و هیچ اشتباه کوچکی را بر ما نمی بخشید. او اعتقاد داشت: «یک نشریه کارگری باید بسیار روان و ساده و بدون غلط باشد. یادتان نرود این سندیکا مرهون تلاش های کارگرانی چون هدایت اله معلم، اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی، ناصر گارسچی است که خونشان را برای بهبودی طبقه کارگر فدا کرده اند. شما وارث تجربه افرادی چون عبدالکریم غضنفری، حسین نصیری، ابراهیم سمرقندی، ابراهیم آلوچه ای ها و صدها کارگر با تجربه که بنیان چنین سندیکای استخوانداری را پایه گذاشته اند هستید که بهترین فرزندان را به جنبش آزادیخواهی هدیه کرده است، پس باید بسیار اندیشمندانه حرکت کنید» او عقیده داشت:

هیچ سرداری در حال خواب و آرامش پرچم پیروزی نیافرشته.

هیچ رزمنده دلیری حتا در اسارت و زندان سر تسلیم فرود نیاورده است.

باید دانش سرافرازی و تسلیم ناپذیری را از پیشگامان دلاور خود بیاموزیم.

او یگانه ای بود چون همزمان جانباخته اش. سر تعظیم بر فعالیت های کارگریش فرود می آوریم. بی گمان او نمرده و در عمل اجتماعی اش زنده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

گروه کوهنوردان فلزکار

بازنشستگان فلزکارمکانیک ۲۵ شهریور ۱۴۰۰

محکومیت وکیل کارگران به هیچوجه قابل قبول نیست!



از کل جهان به غیر جان هیچم نیست
 جانم به فدای آن که آزاده بزیست
 آزادگی ی خویش به دنیا مفروش
 کین زندگی دو روزه را ارزش نیست!

محمدحسین خوان یغما کارگر فلزکار

وکیل کارگران نیشکر هفت تپه فرزانه زیلابی، به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده است.

کسانی که این حکم را صادر کرده اند بی تردید نه از زندگی و مشکلات کارگران خبر دارند و نه می دانند صدور چنین احکامی باعث سربلندی و محبوبیت افرادی چون این وکیل شجاع کارگران خواهد شد!

طبیعی است که ادامه دهندگان سیاست های غلط و بحران زای اقتصادی و مدیریتی (نظیر خصوصی سازی های بی حدوحساب و باز گذاشتن دست تبهکارانی چون اسدیگی ها) که کشور عزیزمان را غرق در فساد کرده و فقر را برای زحمتکشان به ارمغان آورده است، جهت فرار و خلاصی از نتایج اعمالشان، برای امثال زیلابی ها چنین احکام ناعادلانه ای صادر کنند!

ورشکستگی نیشکر هفت تپه که در خاورمیانه بی نظیر است، نابودی شرکت هپکو که برترین سازنده ماشین آلات راهسازی در منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک است، به زمین زدن ماشین سازی های اراک و تبریز که سازنده ماشین آلات ابزار دقیق در منطقه بوده اند دست پخت آفایانی است که بر خلاف نص ماده ۴۴ قانون اساسی به انشا چنین احکامی مبادرت می ورزند.

دختر شجاع ما سرفراز باش که تاریخ بی شک در مورد تو و آنانی که این احکام را صادر می کنند، قضاوتی عادلانه خواهد داشت!

ما ضمن محکوم کردن این حکم ضد کارگری و ضد انسانی، پشتیبانی کامل خود را از وکیل کارگران ابراز داشته و از هرگونه کمکی در نقض این حکم دریغ نخواهیم کرد.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان سندیکای
بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکار مکانیک / بازنشستگان مستقل
صنعت چاپ / بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل
تبریز / بازنشستگان مستقل شهاب خودرو / بازنشستگان (حوزه
کارگری) مستقل استان گیلان**

۲۴ شهریور ۱۴۰۰

تشکل مستقل کارگری موجود در هفت تپه (مجمع نمایندگان کارگری) مورد حمایت همه ماست.

ما کارگران هفت تپه در سال ۹۷ (یعنی سه سال قبل)، انتخابات انجام دادیم و به این عزیزان رای دادیم. منتها تشکل ما اینطور نیست که کسی که سال ۹۷ رای آورد برای همیشه به عنوان نماینده ما باقی بماند. یک تعداد که خیانت کردند یا حتا به انتخاب خودشان سکوت اختیار کردند به صورت کارگری و با خردجمعی از نمایندگی کارگری کنار گذاشته شدند و دیگر نماینده ما نیستند. تشکل مستقل کارگری شاخ و دم ندارد و چیز عجیبی نیست که کارگران بلد نباشند ایجاد کنند و لازم باشد یک فیلسوف از یک جایی بیاید و به ما آموزش بدهد. البته که این نوع تشکل مستقل کارگری که در هفت تپه داریم بر اساس شرایط هفت تپه و نیازهای خود ما انتخاب شده و پاسخگوی نیازهای ماست. اگرچه همیشه تجارب جدید و ابداعات تازه، از زمینه های قبلی و تجارب دیگر هم استفاده می کند و یک شبه از آسمان نمی آید و زاییده ذهن نیست. ما در این راه از تجارب و نقاط قوت و ضعف تجارب قبل از خودمان و از تجارب جاهای دیگر استفاده کردیم و کارگران همیشه نیاز دارند با هم تبادل تجربه کنند. ما تشکلی درست کردیم که نماینده و هیات مدیره اش همین فعالین دلسوز هستند. اما قرار نیست برای چهار سال و هشت سال و ده سال فقط همین ها باشند. این جمع نمایندگان، تغییر کردند و افراد جدیدی به جمع فعالین و نمایندگان ما اضافه شدند. چطور این اتفاق افتاد؟ افرادی که دلسوز هستند و ما در مبارزه روزمره متوجه میشویم که توان نمایندگی از مطالبات ما را دارند و مثلا اجازه دارند سخنرانی کنند، روی سنگر بروند (و برای دفعات بعدی هم شایستگی دارند که باز بتوانند روی سنگر بروند)، یا در جلسات مختلف با مقامات شرکت کنند. حتا برای شرکت کردن یا شرکت نکردن این فعالین و نماینده های کارگری در جلسه با مقامات و مسئولین، باز خود ما در تجمع و مجمع عمومی روزانه خود نظر میدهیم که این عزیزان به جلسه بروند یا نروند. اگر شخصی خارج از خواسته جمعی کارگران حرکت کند اول به او تذکر میدهیم و برایش توضیح میدهیم که چرا کارش اشتباه است. اگر ادامه داد به طور اتوماتیک از نمایندگی کارگری کنارش میگذاریم. این روش که از سال ۹۷ به بعد در هفت تپه ایجاد کردیم یعنی روش خردجمعی و شورایی که یک لازمه اش یعنی مجمع عمومی و تجمعات پر تعداد کارگران است. مجمع عمومی، به

تنهایی تشکل ما نیست. کما اینکه تشکل ما بدون مجامع عمومی و بدون داشتن روش شورایی و بدون دخالت دادن نظرات همه ما، بدون فایده خواهد بود. ما از نمایندگان خود و از تشکل خود یعنی مجمع نمایندگان کارگری دفاع می کنیم اما ضمناً در مجامع عمومی خود تعیین میکنیم که این عزیزان مجاز به انجام چه کاری هستند یا نیستند. اگر هم در این راه کم و کسری هست و بالا و پایینی می شود مثل همه کارهای جمعی قطعاً ما هم نیاز داریم به مرور زمان، نقد بکنیم و نقد بشویم و روشمان را پخته تر و بهتر بکنیم. اما ما با این نوع تشکل و به روش خردجمعی، موفق شده ایم در این چند سال مبارزه مان را به پیش ببریم و این روش را روشی کارآمد میدانیم. برخلاف روشهای دیگر که در آن فقط چند نفر منتخب در طی سال های متمادی، به جای همه تصمیم میگیرند انگار که گویی یک ظرف، تشکل، حق امضا و ... به صورت موروثی در اختیار یک یا دو یا سه نفر محدود و ثابت گذاشته شده باشد که ما این را قبول نداریم. بلکه با روش جمعی که خودمان در پیش گرفته ایم، در تعیین سرنوشت خودمان مشارکت داریم و به عنوان کارگر در مسائل ریز و درشت مربوط به خودمان دخالت میکنیم.

خردجمعی و روش شورایی، روشی است که ما مثل روح اصلی کار در بدن تشکل خود یعنی مجمع نمایندگان دمیده ایم. هر کدام بدون دیگری ناقص خواهد بود. ضمناً ما برای تقویت و ترمیم مجمع نمایندگان کارگری، همیشه حواسمان هست که افراد جدید و تازه نفس و تلاشگر به این تشکل اضافه شوند. در نهایت و باز هم اعلام میکنیم که شورای اسلامی کار، مدت اعتبارش منقضی شده ضمناً قبل از اینکه منقضی شود هم مورد قبول ما کارگران هفت تپه نبود و ما طی دو هزار امضا اعلام کردیم که در خدمت کارفرما و ضد منافع کارگران هفت تپه است. همچنین اعلام میکنیم که :

تنها تشکل مورد قبول ما در هفت تپه، همان مجمع نمایندگان کارگری و تنها روش مورد قبول ما برای پیشبرد مطالبات و اهدافمان، روش خردجمعی و شورایی است که در زمان برگزاری مجامع عمومی کارگری ما تصمیم گیری می کند. نمایندگان واقعی ما هم همین فعالین مستقل کارگری هستند.

جمعی از کارگران هفت تپه - چهارشنبه - ۷ مهر ۱۴۰۰

روز سه شنبه ۳۰ مرداد نامه ای از سوی ۱۱۰ شهروند ایرانی کارگران، بازنشستگان، زنان خانه دار، روزنامه نگار، کارمند، نویسندگان که با شماره شناسنامه و شغل خود امضا شده بود به دبیرخانه وزارت امور خارجه به شماره ۳۴۹۲۷۵ و سفارت افغانستان تسلیم شد. متن نامه چنین است:

تا خرمند نسوزد / تشویش ما ندانی

از انسانیت دفاع کنیم!

وزیر امور خارجه ایران آقای امیر عبداللهیان

احتراما، سالهاست خانواده های افغانستانی را در کشورمان پذیرا بوده و آنچه داشته ایم را با آنان قسمت کرده ایم. امروز که بلای طالبان باز هم به کشور محنت زده افغانستان هجوم آورده و دولت ما نیز مرزها را بسته تا توحش طالبان بر جان مردم بی دفاع سیطره کامل داشته باشد، شاید نتوانیم به همه مردم بلارزه افغانستانی کمک کنیم اما، ما امضا کنندگان این نامه سرگشاده از شما خواستار:

۱ - پذیرفتن پناهندگان جدید افغانستانی در اردوگاه های مرزی و رسیدگی به وضعیت شان و عدم بازگرداندن آنها به افغانستان هستیم.

۲ - در رابطه با روشن شدن وضعیت کنونی زنان نماینده مجلس افغانستان، زنان قاضی، زنان پلیس، زنان استاد دانشگاه و همچنین خانم سلیمه مزاری فرماندار شهر «کنت»، ظریفه غفاری شهردار شهر «ولایت میدان وردک»، سلگی فرزند موسی خان رتبه اول کنکور، فواد اندرابی (خواننده)، نیاز بی بی هفتاد ساله و سرپرست ۴۰ کودک، صفیه فیروزی خلبان، از موقعیت خود استفاده کرده، خبری از این انسانهای شریف به ما برسانید و این عزیزان را به ایران منتقل کنید.

درهای خانه هایمان بر روی این عزیزان باز است. با سپاس

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



خبرهایی از اعتصاب کارگران پروژه ای

۱-کمپین پیروز است!

نامه داده شده به مجلس از سوی ۴۷ نماینده کارگران پروژه ای که به تهران آمده بودند. این نامه به دفتر آقایان متینیان نماینده رامهرمز و عضو کمیسیون انرژی، به شماره ثبت ۰۹۳۴۲۱ روز ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ تسلیم گردید. متن نامه به شرح زیر است:

بنام خدا

اینجانبان امضا کنندگان متن زیر که همگی از کارگران پروژه های نفت و گاز در سراسر ایران هستیم به نمایندگی از این کارگران که در حال حاضر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده ایم خواستار اجرای کمپین ۲۰-۱۰ در سراسر پروژه های نفت و گاز، سدسازی و نیروگاهی هستیم. متأسفانه هشتاد روز از اعتراض ما نسبت به خلافکاری های پیمانکاران از سوی مسولین شرکت نفت و وزارت کار دیده نشده است:

۱- بیست روز کار ده روز مرخصی ۲- بیمه بر طبق دریافتی هر ماه با سمت شغلی جهت سخت و زیان آور برای بازنشستگی ۳- تاخیر در پرداخت های

حقوقی هر ماه ۴- کثیف بودن خوابگاهها و سرویس های بدون کولر و غذاهای
 افتضاح، سرویس های غیر بهداشتی و رعایت نشدن پروتکل های کرونا
 بدین وسیله آقای مازیار گیلانی نژاد به شماره تلفن ۹۰۵***** به نمایندگی
 از ما جهت مذاکره معرفی می گردد.



۲- نه به بی قانونی و گرسنگی! (۷۶)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۷ شهریور در ۸۲مین روز برپایی
 کمپین ۲۰-۱۰، ۴۷ کارگر پروژه ای به نمایندگی از سوی ۱۰ هزار کارگر
 شهرهای ایزده، چهارمحال بختیاری و اصفهان برای دیدار با نماینده خود آقای
 مازیارگیلانی نژاد و رساندن صدای حق طلبانه خود به نمایندگان مجلس و
 پیگیری نامه داده شده به آقای متینیان نماینده رامهرمز و آقای روح الامینی

نماینده تهران به شماره ثبت ۱۰۹۳۴۲۱ از ساعت ۸ صبح در مقابل مجلس شورا گرد آمدند. این کارگران که فریاد «کمپین ۲۰-۱۰» «برادران جوشکار حمایت حمایت» «وزیر نفت عدالت عدالت» خواهان اجرا شدن مفاد ۴ گانه کمپین بودند که در نامه ای که همان جا امضا شد این مفاد را ذکر کردند. کارگران همچنین نامه ای نیز به آقای قالیباف رییس مجلس دادند. کارگران در ساعت ۱۱ به همراه نماینده منتخب شان به مقابل وزارت نفت رفته و خواستار دیدار با وزیر نفت بودند که مسوول حراست به دیدار این کارگران آمده و نمایندگان این کارگران را برای گفتگو با یکی از مسوولین شرکت نفت به داخل ساختمان برد که در همانجا نامه کارگران در رابطه با تخلفات پیمانکاران و خواسته های کمپین ۲۰-۱۰ به شماره ۲۲۷۷۰۶ به ثبت رسید.

در ساعت ۱۲ یکی از مسوولین شرکت نفت برای گفتگو با نمایندگان کارگران آقایان مازیار گیلانی نژاد، اقبالی، کارآوند، کوراوند وارد دفتر گردیدند. نمایندگان یکصدا در مورد ۲۰-۱۰، حقوق طبق کمپین، لیست بیمه بر حسب شغل نه کارگر ساده، وضعیت خراب رفاهی محل کارشان به گفتگو نشستند. آقای مسوول پس از توضیحاتی اعلام کردند نامه را به مسوولین عالی رتبه رسانده و رسیدگی به عمل خواهد آمد. ایشان لیستی از شرکت های متخلف را خواستار شدند که ۴۷ کارگر به سرعت نام هایی را ارائه دادند. در ادامه نمایندگان اعلام کردند: «کافی است به طور اتفاقی از یکی از شرکت های پیمانکاری، لیست ارائه شده به بیمه تامین اجتماعی اش را بخواهید و خواهید دید که همه کارگانش، کارگر ساده قید شده اند. یعنی در یک پروژه هیچ کارگر حرفه ای وجود ندارد؟؟» کارگران خواستار نظارت جدی وزارت نفت بر شرکت های پیمانکاری شدند. پس از خاتمه مذاکرات نمایندگان به بیرون وزارت خانه آمده و آقای گیلانی نژاد شرح مذاکرات را برای کارگران بازگو کرد.

در طی این گردهمایی، کارگران پروژه ای میهمان، از سوی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران پذیرایی مختصری شدند.

در ساعت ۱۳ کارگران به شهرهای خود بازگشته و قرار شد با هماهنگی مازیار گیلانی نژاد که در تهران هستند دوستان نیز از شهرشان پیگیر نامه ها به مجلس و وزارت نفت باشند. کارگر برادر کارگر، متحد هستیم متحد می مانیم

۳- نه به بی قانونی و گرسنگی! (۸۵)

کمپین پیروز است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۸ شهریور و بر طبق قرار قبلی آقای مازیار گیلانی نژاد به دیدار آقای قربانی پو بازرس ارشد وزارت نفت رفتند. در این دیدار نام شرکت ها و پیمانکارانی که حقوق کارگران را به گروگان گرفته اند: پیمانکاری کیانپور مستقر در نیروگاه چاه بهار، نصب نیرو ارومیه، شرکت آزمون فلز آقای خلیلی، پتروشیمی هنگام پیمانکاری راکي، تلمبه خانه ۵ بندرعباس پیمانکاری صالحی، شرکت مهردادآتیه پیمانکاری روزبان نیروگاه چاه بهار، سایت پتروپالایش کنگان، شرکت های زیر مجموعه گاما از جمله ساپک، ممتاز گسترپارس، ره گستر نفت، جهادگران ریگ، ناورود به ایشان داده شد. همچنین مدارک ۳۶ کارگر پروژه ای که لیست بیمه شان با عنوان شغلی مغایرت داشت نیز ارایه گردید. که بطور نمونه مدارک ارسالی علی ضامن غریبی مورد مطالعه ایشان قرار گرفت. در این دیدار گفته شد که هیچ مجموعه پروژه ای نمی تواند بدون استادکار باشد در حالی که اسناد نشان می دهد در این پیمانکاری ها همه افراد لیست بیمه شان بصورت کارگر ساده رد شده است که تخلف و دور زدن قانون است. درآمذادی پیمانکاران از تخلف و دور زدن قانون بسیار هنگفت است. مثلن مابه التفاوت قراردادی که پیمانکار با شرکت مادر در مورد می نویسد و مبلغ بیمه استادکاری از کارفرما می گیرند اما بیمه پرداختی همان استاد کار را به صورت کارگر ساده لیست کرده و حداقل ۷۵ درصد سود برایشان دارد و شوربختانه برای کارگر در پیرانه سری حداقل حقوقی که نمی توان با آن زندگی کرد است. هم چنین از عدم نظارت شرکت نفت بر مقاطعه کاران خود طبق ماده ۳۸ تامین اجتماعی و ماده ۱۳ قانون کار

که باعث حق خوری ها و ضایع شدن مسایل رفاهی کارگران است، تاکید شد. لذا خواسته شد که همان شرایط و ضوابطی که در قرارداد اولیه برای پیمان آن پروژه ذکر می شود در پیمانکاری دست چندم نیز رعایت شود از جمله غذا، خوابگاه، سرویس رفت و آمد، و مهمتر از همه رعایت پروتکل های بهداشتی کرونایی. در ضمن گفته شد پیمانکاری که نمی تواند چند ماه حقوق کارگرانش را از جیب بدهد باید از پروژه ها حذف گشته و کارگران با کارفرمای مادر طرف باشند تا حق و حقوق کارگر ضایع نشده و این پیمانکاران بی عرضه نیز از پروژه ها حذف شوند. البته آقای قربانی پو در جریان اعتصاب کارگران اکسیر بودند. در پایان مقرر شد:

۱- لیستی از کارگرانی که حقوق عقب افتاده دارند با ذکر نام، شغل، شماره تلفن، مقدار طلب، نام پروژه، نام شرکت مادر، نام پیمانکار و شماره تلفن پیمانکار به این بازرسی جهت شناسایی و حذف پیمانکاران خاطی از پروژه ها داده شود.

۲- نامه ای به اداره کل بازرسی شرکت نفت نوشته و در آن ضمن ذکر موارد تخلف از جمله بیمه، تاخیر در پرداخت حقوق، موضوع ۱۰/۲۰، ... از آنان بخواهیم که با صدور بخشنامه ای عدم رعایت موارد قانونی پیمان، باعث سلب و حذف پیمانکاران و شرکت های خاطی شوند.

به همین خاطر از دوستان انتظار داریم تمامی تلاش خود را کرده موارد تخلف پیمانکاران را هرچه زودتر برای آقای مازیار گیلانی نژاد توسط نمایندگان خود ارسال کنید تا با تکمیل مدارک برای کوتاه کردن دست پیمانکاران متخلف اقدام شود.

همچنین امروز با وزارت کار تماس گرفته شد و پیگیر نامه به وزیر کار گشتیم که معلوم شد از سوی وزیر به مدیرکل روابط کار دستور داده شده تا با نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای، آقای گیلانی نژاد جلسه ای گذاشته شود. لذا در این

هفته با آقای قبادی معاون روابط کار وزارت خانه، نماینده شما دیدار خواهد کرد.

متحد هستیم و متحد می مانیم، دست پیمانکاران متخلف از پروژه ها کوتاه

۴- نه به بی قانونی و گرسنگی!

گزارش دیدار با مسوولین وزارت کار در تهران

در ساعت ۹ صبح روز ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ و طبق دعوت قبلی از سوی معاون اداره کل روابط کار تهران، نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای مازیارگیلانی نژاد به همراه دو تن از کارگران به دیدار مسوولین مربوطه رفتند. در این دیدار موارد تخلف پیمانکاران از قانون کار با ارایه سند به مسوولین برگزار شد.

ابتدا یکی از مسوولین عنوان نمود که: «حرف های نمایندگان می بایست بر طبق قانون باشد تا بتوان رسیدگی نمود» در پاسخ مازیارگیلانی نژاد گفت: «ما حرف شما را قبول داریم و هرچه خواهیم گفت بر طبق قانون خواهد بود. لذا به این مصاحبه وزیرکار در خبرگزاری ایلنا استناد می کنیم که فرموده اند کارگران مشکلات را بگویند و خود را جای ما گذاشته راه حل ارایه بدهند. ما به وزیرکار می گوئیم فقط قانون را درست اجرا کنید و کسانی را که می خواهند قانون را دور زده به کارگران اجحاف کنند را اعمال قانون کنید بی تردید همه چیز درست خواهد شد. لذا ابتدا نامه به تاریخ ۱۵/۱۰/۹۹ به شماره ۸/۱۴۲۸۹۵ که در اداره کار بوشهر و زیر دست آقای شهریور، مسوول روابط کار بوشهر است را بررسی و به ببینید چه کسانی بازرسی شما را که ضابط قضایی هستند برای نظارت بر عملکرد شرکت ها به پتروشیمی ها راه نمی دهند؟ تا خلافکاری ها را در محل دیده اعمال قانون کنند؟»

اولین خواسته ما کارگران پروژه ای ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی است بر طبق بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی و همچنین رعایت ساعت کار بر طبق قانون کار که ۱۷۶ ساعت در ماه است. پیمانکاران کارگر را مجبور می کنند

در دمای ۵۵ درجه با ۷۵ درصد رطوبت ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار کرده و روز تعطیلی هم نداشته و بعد از ۲۴ روز کار ۶ روز مرخصی برود. که دو روز آن در راه تلف شده و ۴ روز را باید در کنار خانواده باشد. در حالی که وزارت کار وزارت صنعت به دنبال بهره وری در کار هستند آیا می توان با این شرایط و خستگی مفرط بهره وری و دقت لازم در کار را داشت؟ لذا اولین خواسته ما در پروژه های عملویه و سراسر کشور رعایت حداقل ۱۰ روز مرخصی در ازای ۲۰ روز کار است که کارگران با اعتصاب خود در حال حاضر به دنبال اجرایی کردن آن از اواخر خرداد تاکنون بر آمده اند. دومین موضوع رعایت نشدن ماده ۱۳ قانون کار و ماده ۸۵ تامین اجتماعی در مورد نظارت بر عملکرد پیمانکاران است. متأسفانه یکی از تخلف ها ارایه غیر واقعی لیست بیمه کارگر فنی و متخصص به صورت کارگر ساده می باشد. در حالی که این لیست بیمه ها طبق قانون های گفته شده باید بر اساس فهرست ارسالی و بازرسی از کارگاه توسط وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی باشد که این دور زدن قانون به دلیل بازرسی نشدن از سوی بازرسین وزارت کار و تامین اجتماعی رخ می دهد. سودجویی کارفرما در این خصوص که مابه التفاوت حق بیمه کارگر ساده با کارگر متخصص را به جیب زده هم سر بیمه کلاه می گذارد و هم کارگر بعد از ۳۰ سال باید با حداقل حقوق بازنشسته شود در حالی که پیمانکار حق بیمه کارگر متخصص را از شرکت مادر دریافت کرده است» در این خصوص سند بیمه ای کارگر پروژه ای حیدری ارایه شد که حق بیمه نه تنها به صورت کارگر ساده پرداخت شده است بلکه در یک عمل زشت حق بیمه اسفند ماه این کارگر اصلن پرداخت نشده در حالی که این کارگر از آبان ۹۹ تا آخر خرداد ۱۴۰۰ سرکار بوده است و یک ماه حق بیمه کارگر به جیب کارفرما رفته است. اگر بازرسین وزارت کار و تامین اجتماعی این ماده قانونی را اجرا می کردند چنین تخلفی صورت نمی گرفت.

سپس یکی از کارگران موضوع عقب افتادن حقوق کارگران را مطرح کرد: «در هیچ جای قانون این موضوع عینیت نداشته و کارفرمای می بایست بر طبق

قانون روزانه و یا هفته ای و یا سرمایه با کارگر تسویه کند. در حال حاضر شرکت سازه پاد حقوق کارگران را به مدت ۴ ماه به گروگان گرفته است و یا در قراردادهایی که ما در دست داریم و به تازگی بسته شده است بصورت غیرقانونی کارگر را ملزم می کند پرداخت دستمزدش « منوط به دریافت پول از صورت وضعیت از کارفرماست» که خلاف قانون است، را بپذیرد. پیمانکاری که عرضه ندارد ۳ ماه حقوق کارگرش را در جیب داشته باشد به چه دلیل باید وارد این عرصه شود». سپس برای نمونه قرارداد های بابک مهری از بید بلند، پیمانکار مقصودی از عسلویه پتروشیمی نوری، پیمانکار باقری از عسلویه پتروشیمی صدف، پیمانکار لیموچی از بید بلند به عنوان بخشی از پیمانکاران متخلف که این چنین قراردادهای غیرقانونی به کارگر تحمیل می کنند به مسوولین ارایه شد.

یکی دیگر از کارگران حاضر از عدم رعایت ماده ۱۰ قانون کار و ندادن یک نسخه از قرارداد به کارگر که در موقع لزوم بتواند از این سند برای شکایت خود استفاده کند صحبت کرد. همچنین رعایت نشدن ماده ۹۱ قانون کار در مورد حفاظت و بهداشت آن هم در شرایط کرونایی که ۹ کارگر را در یک خوابگاه ۱۲ متری اسکان داده اند که متاسفانه دیروز با خبر شدیم یکی از کارگران به دلیل ابتلا به کرونا درگذشته است. از دیگر موارد می توان به اجرا نشدن ماده ۱۵۱ که در مورد غذا و خوابگاه است گفت که ما متاسفانه شاهد غذاهای بی کیفیت مانند تخم مرغ و سیب زمینی و خوابگاههای پر از ساس و کثیف هستیم. ما غذاهایمان را باید یا روی زمین و یا روی پارچه برزنتی جوشکاری بخوریم. ماده ۱۵۲ قانون کار که موضوع سرویس را مطرح می کند سرویس هایی که باید مجهز به کولر باشند را با ماشین های زمان جنگ دوم جهانی عوض کرده اند که کارگر عذاب می بیند.

یکی از مسوولین عنوان نمود که باید قانون کار اصلاح شود تا مشکلات کارگران کاهش یابد. گیلانی نژاد به ایشان پاسخ داد که قانون کار زمانی باید اصلاح شود که نماینده واقعی کارگران حضور داشته باشد و اصلاح قانون کار

حمایت بیشتری از کارگر بکند نه اینکه نظرات افراد بی صلاحیتی چون خیریه نذر و اشتغال اصفهان راهنمای این اصلاح باشد. دوره برده داری سالهاست تمام شده است و متاسفانه عده ای هنوز در آن سالها مانده اند.

مقرر شد از سوی این مسوولین نامه ای به اداره کار بوشهر و خوزستان نوشته شده و موارد قانونی را که نمایندگان کارگران پروژه ای مطرح کرده اند را پیگیری و گزارش کنند. همچنین قرار شد با یکی از مسوولین عالی رتبه وزارت کار نشست برای چاره یابی این مشکلات گذاشته شود. همچنین موضوع نظارتی در دستور کار قرار گیرد.

کمپین پیروز است کارگر متحد کارگر

۵- نه به بی قانونی و گرسنگی! (۹۲)

کمپین پیروز است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۸ مهرماه ۲۰۰ کارگر اجرایی و دفتری شرکت استیم به دلیل رسمی نشدن مقررات کمپین دست به اعتصاب زدند. شرکت استیم پتروشیمی بوشهر سایت ۱ زیر نظر چگالش و انرژیمی که شرکت نظارت هستند، می باشد. با آنکه پیمانکاری نصاب و استراکچر بخشی دو هفته قبل اعلام نموده بود که مقررات کمپین را قبول دارد و آن را اجرایی خواهد کرد، اما کارفرما(شرکت استیم) قبول ننمود و اعلام کرد که: «چرا بدون اجازه ما چنین قولی به کارگران داده اید» با این حرکت کارفرما کارگران امروز صبح دست از کار کشیده و در محوطه تجمع کردند. با ورود رییس حراست کارفرمای بوشهر و اعلام اینکه: «حق با کارگران شرکت استیم است باید مرخصی و حقوق مثل شرکتهای دیگر زیاد بشود» کارگران و مهندس ها همه اعتصاب کرده حتی ژنراتورها را هم خاموش کردند. کارگران گفتند تا تکلیف ما مشخص نشود همین جا خواهیم ماند که با پا در میانی رییس حراست به سمت خوابگاهها رفتند.



رییس حراست کارفرما با رییس کارگاه استیم، آقای هاشمی صحبت کرده و آقای هاشمی نامه ای نوشت مبنی بر اینکه کسانی که چه در خوابگاه باشند و چه به خانه بروند تا شنبه ۱۷ مهر ماه مرخصی با حقوق دارند تا وضعیت مشخص بشود. با توجه به اصرار زیاد کارگران و پافشاری همه کارکنان و کارگران در مورد اجرایی شدن مقررات کمپین رییس حراست کارفرما قول داد: «اگر شنبه وضعیت مشخص نشد و حقوقها و مرخصی ها درست نشد اختیار میدهم باز بشینید سرکار و اعتصاب کنید». قبلن هم به کارفرماها اعلام کرده بودیم که بدون مقررات کمپین، کارگری دست به ابزار نخواهد برد و وعده های تو خالی پاسخش دست از کار کشیدن و راهی خانه شدن خواهد بود. جالب اینجاست که پیمانکار می خواهد مقررات کمپین را اجرایی کند اما کارفرمای استیم برای درهم شکستن کمپین ۱۰/۲۰ اینگونه عمل می کند.

دوستان کارگر، اگر کارفرماها برای در هم شکستن کمپین با هم متحد هستند، ما هم برای پیروزی کمپین باید متحد باشیم. بی تردید بدون حضور ما هیچ ابزاری از جایش تکان نخواهد خورد هیچ لوله ای جوش نمی خورد، هیچ داربستی علم نمی شود و پروژه ای به سرانجام نخواهد رسید.

متحد هستیم و متحد می مانیم، کارگر متحد کارگر

مدیریت مدرن در ایران خودرو!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدتهاست کارگران ایران خودرویی در مورد عدم مدیریت درست در مورد پوشاک به مدیریت اعتراض می کنند. بعد از عرضه ماسک های بی کیفیت در ایران خودرو و سپس تاخیر در دادن لباس و کفش کار بعد از سه سال به کارگران سالن رنگ ۲ و توزیع سهمیه لباس و لوازم حفاظتی که باید امری عادی در عرصه کار باشد، بسیار محدود بوده و کارگران با عینک های غیر قابل استفاده کار می کنند، چشمان به لباس کار هایی با جنس نامناسب هم روشن شد و اعتراض کارگران را برانگیخته است.

مدیریتی که بعد از ۴۰ سال بعد از انقلاب هنوز نتوانسته لباس کار استاندارد شرکت خودروسازش را طراحی و تهیه کند بی عرضه بنامیم، چه بنامیم.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- میله‌های پرچم نصب شده بر روی نرده‌های خط ۵ بی‌آرتی توسط شهرداری، برای رانندگان مزاحم و خطر آفرین است!

پیگیری نمونه‌ای از ضعف مدیریت و تصمیم‌گیری پس از درج گزارش زیر در کانال تلگرام سندیکا پس از مدتی میله‌های پرچم یک سمت نرده‌ها برداشته شد اما شهرداری حاضر نشد مزاحمت میله‌های پرچم را به کلی برطرف کند. برغم اینکه خط ۵ بی‌آرتی عرض کمی دارد و تردد اتوبوس‌ها به سختی انجام می‌شود، شهرداری تهران به مناسبت ماه محرم میله‌های پرچم بر روی نرده‌های

این خط نصب کرده است. با توجه به اینکه آینه‌های بغل از بدنه اتوبوس به میزان قابل توجه‌ای فاصله دارد امکان برخورد آینه‌های اتوبوس با این میله‌های پرچم و ایجاد سانحه بسیار محتمل است. علاوه بر این با توجه به اینکه این پرچم‌ها با وزش باد برافراشته می‌شوند، دید رانندگان گرفته می‌شود. سندیکای کارگران شرکت واحد از مدیریت شرکت واحد می‌خواهد برای جلوگیری از بروز سانحه برای رانندگان زحمت‌کش، هر چه سریعتر میله‌های پرچم نصب شده بر روی خطوط بی‌آرتی را جمع‌آوری کند. در صورت هرگونه حادثه برای رانندگان مدیریت شرکت واحد بعنوان کارفرما مقصر و باید پاسخگو باشد.

۲- فشار مضاعف به رانندگان خط پنج بی‌آرتی، با اجرای دوباره طرح خاموش کردن اتوبوس‌ها در پایانه‌ها

در گرمای تابستان لازم است که برای حداقل شرایط رفاهی رانندگان، کولر اتوبوس روشن باشد. اما مدیریت ناکارآمد خط پنج بی‌آرتی بدون آنکه اتاقی در پایانه‌ها برای رانندگان ایجاد کند که سیستم سرمایش مناسب داشته باشد، به رانندگان فشار می‌آورد تا اتوبوس را در پایانه‌ها خاموش کنند و گرمای طاقت فرسای تابستان شرایط نامناسبی را برای رانندگان بوجود آورده است. سندیکای کارگران شرکت واحد نسبت به عدم تامین امکانات رفاهی مناسب برای رانندگان و سخت‌گیری‌ها به رانندگان به مدیریت ناکارآمد شرکت واحد هشدار می‌دهد و اعلام می‌کند در صورت ادامه این روند با اعتراضات مقتضی رانندگان مواجه خواهد بود.

۳- ناکارآمدی مدیریت شرکت واحد در نظارت بر بهداشت محیط کار کارگران و رانندگان شرکت واحد

آنچه که از سرویس‌های بهداشتی سامانه یک، توقفگاه سرخه حصار مشخص است که ماههاست هیچگونه مواد شوینده‌ای در ظرف‌های مخصوص مایع

دستشویی ریخته نشده است و با وجود اینکه رانندگان و کارگران بارها مدیریت سامانه یک و مدیر توقفگاه سرخه حصار را از عدم وجود مواد شوینده در دستشویی ها مطلع کرده اند، نه تنها تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه از سوی مدیران و مسئولان سامانه یک انجام نشده است، بلکه با نصب پوستری مبنی بر شستشوی صحیح دستان در دستشویی ناحیه پایانه آزادی، عملاً پوزخندی به مراجعه کنندگان زده اند. در صورتی که بدون وجود مواد شوینده نصب این پوستر هیچ مفهوم و معنی ندارد. سندیکای کارگران شرکت واحد تاکید می کند رعایت نکات بهداشتی در محیط کار از وظایف مهم و قانونی کارفرما می باشد و در واقع عدم رعایت نکات بهداشت محیط کار از سوی کارفرما نه تنها باعث گسترش و بوجود آمدن انواع بیماری ها برای کارگران می شود بلکه از نظر قانونی هم تخلف محسوب می شود .

برگزاری سومین روز اعتصاب کارگران هفت تپه،

پنج شنبه ۸ مهر ۱۴۰۰

اهم مطالبات کارگران اعتصابی:

-تعیین تکلیف فوری مدیریت شرکت و شفاف سازی نحوه و قیمت واگذاری شرکت به دولت-بانک، پرداخت فوری حقوق های معوقه و سایر مطالبات عرفی و قانونی، تسریع در انجام عملیات کشت و ترمیم کارخانه، بازگشت به کار اخراجی های مطالبه گر، تمدید قرارداد فصلی ها، اعلام و اجرای حکم صادر شده علیه اسدبیگی-رستمی در پرونده اختلاس، مختومه شدن پرونده خانم فرزانه زیلابی (وکیل کارگران هفت تپه)



مهرگان شادباش!

دهم مهر ماه برابر با جشن مهرگان، سالروز خیزش کاوه آهنگر بر علیه
ضحاک و برافراشته شدن درفش کاویانی، نخستین درفش دادخواهی در جهان،
بر همه عدالت خواهان میهن خجسته باد!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی به وضعیت بد معیشتی و همسان سازی نادرست و بی اعتنایی کانون های بازنشستگی به وضعیت نامناسب بازنشستگان منجر به تجمع در شهرهای تهران، اصفهان، خرم آباد، قزوین، رشت، کرمانشاه، اهواز، تبریز و مشهد که از قبل اعلام شده بود، گردید. در تهران نزدیک به ۱۰۰ بازنشستگان در مقابل مجلس تجمع کرده و آقایان ناصر آجاجری و نورایی و خانم ژاله همسر بازنشسته زندانی اسماعیل گرامی برای جمع صحبت کرده و بازنشستگان دیگری نیز مشکلات خود را بیان کردند.

در قزوین ۳۰ بازنشسته در مقابل تامین اجتماعی تجمع کرده ولی کسی برای پاسخگویی نیامد. در رشت با آنکه از چند روز قبل به فعالین اعلام شده بود که تجمع را برگزار نکنند اما بیش از ۸۰ نفر به مقابل تاین اجتماعی آمده و فریاد «همسان سازی کجا بود/ دروغ فریب ریا بود» را سر دادند. همچنین نامه ای به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نوشته و امضا گرفته شد:

به نام خداوند حق

مدیرعامل محترم سازمان تامین اجتماعی جناب آقای دکتر میر هاشم موسوی

احتراما ما جمعی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به استحضار می‌رسانیم که در ماه های اخیر با وجود تورم های سنگین و فشارهای بسیار زیادی بر روی ما بازنشستگان آمده طوری که حقوق های ما حداقل بگیر و سایر سطوح حتی کفاف ۱۰ روز معیشت مان را پوشش نمی دهد، آنچه که می‌بایست در دوران مدیریت قبل اتفاق می افتاد و نگاهی ویژه به این قشر آسیب پذیر میشد اتفاق نیافتاد و حاصل آن ناکارآمدی ها این شد که امروز همه شاهد آن هستیم، اگر در افزایش حقوق ها مبنا و اساس کار اجرای مواد مغفول مانده ای چون ماده ۹۶ و ۱۱۱ قرار می‌گرفت این وضع بحرانی برای این جامعه بازنشسته رخ نمیداد. حال که مدیریت های جدید و انقلابی در همه سطوح از ریاست جمهوری تا سطح

وزیران و معاونین و الإلخصوص در سازمان محترم تامین اجتماعی بوجود آمده، ما جمعی از بازنشستگان استان گیلان از شما می‌خواهیم در همسانسازی ها و افزایش حقوق های جدید بازنشستگان، پایه و مبنا را حقوق حداقل بگیران و مواد ۹۶ و ۱۱۱ قرار دهید. لذا درخواست های ذیل را تقدیم شما می‌نماییم و امیدواریم با اجرای آن نام نیکی از شما در دوران مدیریت تان بر ذهن بر ذهن بازنشستگان نقش بندد.

۱- افزایش حقوق ها براساس سبدمعیشث و مواد ۹۶ و ۱۱۱

۲- ادامه همسانسازی حقوق با %۲۵ باقی مانده و تفاوت ان از سال ۹۹

۳- پرداخت بدهی بابت بودجه ۸۹ هزارمیلیارد تومان

۴- الزام به درمان کامل و رایگان تمام ذینفعان سازمان تامین اجتماعی

۶- برگشت بیش از ۱۰۰ قلم دارو به تحت پوشش بیمه

۵- افزایش پرداخت حق بیمه توسط سازمان تامین اجتماعی در قرارداد با بیمه تکمیلی

۷- ایجاد بیمارستان های جدید توسط سازمان تامین اجتماعی در استان گیلان

۸- پرداخت عیدی به بازنشستگان همانند کارگران شاغل به میزان ۲ ماه حقوق

۱۰- برخورداری بازنشستگان غیر همکار از ماده ۶۹ ویا لغو آن

۹- بازگشت ساختار مدیریتی سازمان تامین اجتماعی به ۳ جانبه گرایی

۱۱- عدم برداشت از صندوق سازمان تامین اجتماعی توسط نهاده ها و ارگان های دولتی و غیر دولتی

۱۲- واگذاری سرمایه شرکتهای شستا به صاحبان واقعی آن یعنی بازنشستگان و کارگران

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا (۲۵ شهریورماه)



فقط قانون را اجرا کنید!

کارگران، گروگان پیمانکاران هستند و دولت و مجلس، کار را به اطاله وقت و امروز و فردا کردن می‌گذرانند.

مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری) که پیگیر نامه‌ها و طومارهای کارگران پروژه‌های جنوب در تهران است؛ در ارتباط با عدم تصویب این طرح به ایلنا می‌گوید: «بسیار ناراحت کننده است که حاضر نشدند این طرح را به تصویب برسانند؛ ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌گوید پیمانکاران در نهادهای عمومی و دولتی فقط در کارهای خدماتی می‌توانند حضور داشته باشند نه در کارهای فنی و تخصصی اما امروز می‌بینیم که همه کارهای تخصصی از امورات پالایشگاهی گرفته تا کارهای مخابراتی را به پیمانکاران سپرده‌اند؛ این بی‌قانونی مطلق است و متأسفیم که نمایندگان مجلس یازدهم با این همه داعیه انقلابی‌گری باز هم طرح ساماندهی را به تصویب نرساندند؛ البته نقش بازدارنده مدیران دولتی نیز ناچیز نیست؛ اینها هم در جلسه حضور داشتند و احتمالاً مانع تصویب طرح شدند.

او به دلیل «بار مالی داشتن طرح» انتقاد می‌کند و می‌گوید: «چه چیز بیش از رانتخواری پیمانکاران و پول‌هایی که این وسط به نادرست به جیب می‌زنند، برای دولت بار مالی دارد؟ پیمانکاران را حذف کنند تا بار مالی دولت به میزان قابل توجهی کاسته شود»

گیلانی نژاد معتقد است نه تنها مجلس که دولت نیز کاری برای کارگران پروژه‌های کشور صورت نمی‌دهد؛ او به اظهارات وزیر کار جدید که گفته است «تشکل‌های کارگری دو کار انجام بدهند و مشکلات را برای ما بنویسند و بگویند اصل مشکل از کجا آب می‌خورد و بگویند راحل چیست و راحل هم خود را جای وزیر بگذارید و بگویید اگر اینجا بودید چه کاری انجام می‌دادید. همه گزارش‌ها را می‌خوانم و کار عملیاتی را با کمک شما انجام می‌دهم» اشاره می‌کند و در پاسخ به ایشان می‌گوید:

«جناب آقای عبدالملکی در تاریخ ۹۹/۱۰/۱۵ نامه‌ای به شماره ۸/۱۴۲۸۹۵ به وزیرکار وقت از سوی رهبری داده شد که ۱۰۰۰ کارگر با کدملی تخلفات کارفرمایان در عسلویه را برای ایشان نوشته و ایشان هم به وزارت کار ارجاع داده بودند که هم اکنون در اداره کار بوشهر و نزد آقای شهریور است و سرانجامی نیافته است. خواسته اصلی کارگران در این نامه، جلوگیری از تخلفات پیمانکاران و عقب نیفتادن دستمزدها و رد شدن لیست بیمه واقعی است. در همین راستا نامه‌ای به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ به شماره ۹۳۵۳۱ برای شما ارسال کردیم که ۲ هزار کارگر آن را با کدملی امضا نموده‌اند که باز هم همین تخلفات را اعلام کرده‌اند. آقای وزیر، خواست ما نظارت و اجرای دقیق قانون کار و اجازه ندادن به دور زدن قانون است و بس. اجرای ماده ۱۳ قانون کار، اجرای ماده ۱۷ قانون خدمات مدیریت کشوری و حذف پیمانکاران از امور تخصصی و فنی، اجرای ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی و ماده ۴۱ قانون کار و تبصره ذیل آن. ما فقط اجرای قانون را می‌خواهیم نه بیشتر.»

چرا در پروژه ها حادثه رخ می دهد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پالایشگاه ها و پتروشیمی های کشور به خصوص در بخش هایی که راه اندازی شده و خطوط تحت سرویس می باشد؛ انجام هرگونه فعالیت سرد و گرم فقط و فقط با داشتن پرمیت از واحد پرمیت بخش راه اندازی امکان پذیر است و بدون آن هیچ نیرویی امکان کار کردن ندارد. در صورت نیاز به تعمیر یک خط راه اندازی شده این واحد موظف به چک کردن کامل گیج ها و خط مورد نظر جهت تخلیه کامل خط و اطمینان از خالی بودن خط و سپس تایید پرمیت جهت فعالیت گروه اجرا جهت تعمیر یا تکمیل می باشد.

ساعت ۹:۲۰ دقیقه صبح ۵ خرداد ۱۴۰۰ لوله اکسیژن فاز دوم شرکت های پتروشیمی منطقه عسلویه بر روی لاین ارتباطی (پایپ رک) فاز یک و ۲ روبروی سایت مبین به دلیل عدم کنترل دقیق تخلیه کامل خط توسط نظارت واحد پرمیت و گذاشتن نیروی اجرایی روی خط دچار انفجار شد. متأسفانه بر

اثر این حادثه یک نفر در دم جان سپرد و دو نفر دیگر بر اثر سوختگی شدید در بیمارستان فوت شدند.

نبود نظارت فنی کامل کارفرما و دستگاههای واحد پرمیت بر کار و همچنین گماردن نیروهایی که توجه لازم به حساسیت کار را ندارند موجب چنین خسارت هایی در پروژه ها می گردد.

متأسفانه در این حوادث کارگران طعمه سودجویی و بی مبالاتی کارفرما می شوند و دستگاههای نظارتی وزارت کار هم با دادن گزارشات آیکی موضوع را ماست مالی کرده و با دادن دیه ای ناچیز سر و ته حادثه را هم می آورند.

اینکه کارفرماهای ما حتا این مقدار درک را ندارند که دلشان به حال حداقل مواد مصرفی خود بسوزد و تمامی هم خود را گذاشته تا زودتر کار را تحویل دهند و پول خود را بگیرند یک طرف، عدم نظارت دقیق بازرسان شرکت نفت و وزارت کار هم طرف دیگری است که باعث چنین ضایعات و تلفات انسانی می گردد.

وضعیت ما این است آقای وزیر!

یکی از بازنشستگان در مورد وضعیت مستمری خود (که یک نمونه برای درک شرایط معیشتی بازنشستگان است) در شبکه‌های اجتماعی نوشت: "حقوق من در سال ۹۱ مبلغ ۹۰۰ هزار تومان بود که دلار هزارتومان بود. یعنی من ۹۰۰ دلار درماه حقوق می‌گرفتم و توان خرید ۹۰۰ دلار داشتم. درحال حاضر ۵ میلیون و پانصد هزار تومان حقوق می‌باشد یعنی ۲۰۰ دلار توان خریدم شده یعنی ۵ برابر از سال ۹۱ کمتر حقوق می‌گیرم همه را به این درد بی دوا گرفتار کرده اند کسی هم جوابگو نمی‌باشد. سال ۹۱ یک شیر پاکتی حد اکثر ۲۰۰ تومان بوده درحال حاضر ۸ هزارتومان این نمونه ای از تورم لجام گسیخته است."

وضعیت اقتصادی تامین اجتماعی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق آمار ی که مسوولین ذوب آهن ارایه کرده اند وضعیت بزرگترین صنعت مادر در کشورمان بسیار خوب بوده و سودهای افسانه ای را تجربه می کند. به این آمار توجه کنید:

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (سود سه سال گذشته شستا معادل دو برابر کل ۱۸ سال قبل از آن است)

رشد ۱۱۹ درصدی فروش ذوب آهن نسبت به سال گذشته

کاهش ۷۵ درصدی هزینه های ساخت و ارزبری با بومی سازی آگلومراسیون
ثبت بالاترین درآمد ذوب آهن در یک سال گذشته

افزایش ۹ درصدی درآمد فقط در «ذوب» (منبع روابط عمومی ذوب آهن)

این واقعیت ها که در ذوب آهن اتفاق افتاده است نقض تمامی گفته هایی است که در مورد ورشکستگی تامین اجتماعی می گویند. ۸۰ درصد مالکیت ذوب آهن در تملک تامین اجتماعی است. اگر در نظر داشته باشیم که شرکت های فولادی و معدنی و هلدینگ صدر تامین که همگی متعلق به سازمان تامین اجتماعی است و سودهای افسانه ای می برند را به این آمار اضافه کنیم، می توان به این نتیجه رسید که وضعیت سازمان تامین اجتماعی با این سودهای افسانه ای نمی تواند خوب نباشد. البته نمی توان حقوق های نجومی و پاداش های افسانه ای به جمعی از مدیران بی عرضه در شستا را نادیده گرفت که این سودها را به جای خرج در تامین اجتماعی جهت رفاه حال بیمه شده ها در سواحل اروپایی حیف و میل می کنند.

درس دستور

معلم پرسید: کلمه‌ای بگویید که با عَصَب هم‌خانواده باشد.

یکی گفت: اعصاب. یکی گفت: عصبانی. دیگری گفت: تَعَصُّب.

معلم، از کارش راضی بود. مفهوم را خوب رسانده بود. پرسید: همین؟

یک نفر از ته کلاس گفت: اعتصاب!

معلم پرسید: اعتصاب را از کجا پیدا کردی؟

دانش آموز گفت: پدرم و همکارانش بیست روز است که اعتصاب کرده‌اند!

معلم پرسید: آیا می‌توانی ریشه‌ی اعتصاب را بگویی؟

دانش آموز گفت: وقتی از آدم کار زیادی می‌کشند و مزد کمی می‌دهند و چند ماه نمی‌دهند و آدم نمی‌داند همیشه کار دارد یا نه و دستش به جایی بند نیست و قانون هم از او حمایت نمی‌کند و خرج خانه فشار می‌آورد، آدم اعصابش خرد می‌شود، این است که عصبانی می‌شود. همکارانش که می‌بینند آن‌ها هم مثل او هستند، تعصب به خرج می‌دهند و همگی دست از کار می‌کشند و این طوری می‌شود که اعتصاب می‌کنند؛ مثل معلم‌ها که پارسال توی دفتر مدرسه می‌نشستند و به کلاس‌ها نمی‌رفتند . . .

معلم پرسید: خیلی خوب توضیح دادی، پدرت کجا کار می‌کند؟

-شرکت نفت آقا-

معلم کمی قدم زد و پرسید: کی می‌دونه ریشه‌ی اعتصاب چیه؟

بچه‌ها یک صدا گفتند: کار زیاد . . . مزد کم

معلم مانده بود چه بگوید؟ گفت: من از اون لحاظ گفتم!

یکی از دانش آموزان بلند شد و گفت: آقا، قبول کنین که بچه‌ها دارن درست می‌گن!

معلم کتاب را روی میزش پرت کرد و گفت: چاره چیه؟

بچه‌ها گفتند: اگه همه کمک شون کنند، دیگه هیشکی جرئت نمی‌کنه زور بگه و مزد کسی رو بخوره!

معلم نمی‌دانست چگونه درس را به جای اولش برگرداند. . .

ویشار مازنی



امنیت سلامت!

امنیت سلامت شهروندان در گروهی امنیت سلامت زنان است؛ شهری که نیازمند امنیت سلامت است و آن را عنصر پایه‌ای برای سلامت شهروندان می‌داند باید بداند که اولویت‌بخشی به سلامت زنان امکان لازم را برای سلامت شهر مهیا می‌کند. زنان همچون خانواده که نهاد پایه‌ای جوامع محسوب می‌شوند عنصر پایه‌ای در تشکیل خانواده هستند و تداوم و استحکام و سلامت خانواده و در پی آن جامعه منوط به سلامت آنهاست پس امنیت سلامت زنان مهم‌ترین اولویت جوامع شهری محسوب می‌شود برای آن کوشا باشیم.

روزنامه اعتماد

گزارش میدانی!

همسایه‌ای داریم که چند ماهی بیشتر نیست که به صفِ درازِ بازنشستگان پیوسته است. خودش می‌گوید که یک ماه اول بازنشستگی خیلی دویده بود تا کاری دست و پا کند و رزق و روزی یومیه را در بیاورد. ولی هرچه گشته بود، کاری پیدا نکرده بود. القصه این همسایه‌ی ما از صبح علی‌الطلوع رفته بود میدان تره‌بار، توی صف مرغ و ایستاده بود تا ظهر که دو تا مرغ گیرش آمده بود. یک روز غروب که نشسته بودیم دمِ در و درددل می‌کردیم، می‌گفت: "دیگه نوه‌های ما باید نام و عکس خیلی چیزا رو تو کتاب‌ها ببینند. مثلاً عکس گوشت و برنج و مرغ و ماهی رو"

گفتم: "اینقدر ناامید نباش!"

می‌گفت: "همین الانشم این مواد غذایی رو از رو سفره‌ی کوچیکِ ما برداشتن. هویچ، هویچ که دیگه ریخته بود زیر دست و پا و خیلی‌ها نگاهش نمی‌کردن، حالا از موزم زده جلوتر. مرغ که جای خود داره، تخم مرغ شده شونه‌ای پنجاه - شصت هزار تومن. برنج که دستمون بهش نمی‌رسه، نیم‌دونه شده کیلویی سی و پنج. نون هم که در طول سال، چار پنج نوبت گرون می‌شه. داد می‌زنیم حقوق بازنشسته‌ها رو زیاد کنین، می‌گن اگه حقوق شما رو بالا ببریم، تورم می‌ره بالا. انگار تورم فقط از تو فیش بازنشسته‌ها بیرون میاد"

خلاصه این همسایه‌ی تازه بازنشسته شده‌ی ما که یه کارگر ساده بوده، آنقدر به زبان ساده و منطقی داشت اوضاع اقتصادی را می‌شکافت که توی دلم گفتم ای کاش همین عمو اسدُلا، وزیر اقتصاد می‌شد و یا رییس برنامه و بودجه تا شاید دولت حال و روز ما را می‌فهمید. توی همین فکرها بودم که ادامه داد: "تازه ما یه آلونکی داریم چپیدیم توش، اونایی که مستاجرن چی کار کنن؟ اگه همینجور پیش بره، سال دیگه این موقع‌ها باید برن بیابونای افسریه و مسعودیه چادر بزنن. تازه اونجام اگه منابع طبیعی نیاد نگه جمع کنین برین!"

عمواسدُلاً، گاهگاهی مکت کوتاهی می‌کرد ببیند من چه می‌گویم؟ ولی وقتی سکوتِ تاییدآمیزِ مرا می‌شنید، ادامه می‌داد: "چند روز دیگر مدرسه‌ها شروع می‌شن؛ باز که شاید نشن، اما درس‌ها شروع می‌شن. یه دفترچه‌ی مشق چهل برگ شده ده دوازده تومن. همینجور کتاب هست، مداد و خودکار هست. کیف و کفش هست. هزار تادنگ و فنگ هست، گوشی و اینترنت هست. کی می‌خواد جواب بده؟ اینجوری باشه، خیلی ها درس رو می‌ذارن کنار" . . .

حرف‌های همسایه، تمامی نداشت. حرف دل بیشتر مردم بود. حرف‌های بیشتر مردم هست؛ یعنی این مسئولین این حرف‌ها را نشنیده‌اند؟ نمی‌شنوند؟ این وضع تا کی می‌خواهد ادامه داشته باشد؟ تا کجا؟ تا چند؟!!!

مصائب تحصیل در دوران کرونا برای فرزندان زحمتکشان

تازه سال تحصیلی ۱۴۰۰/۱۳۹۹ زیر سایه منحوس و ویروس کرونا شروع شده و وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود برای دوری از ویروس کرونا دانش آموزان در خانه بمانند و از طریق شبکه مجازی و با استفاده از اپلیکیشنی بنام شاد درس بخوانند.

در خانه نان تمام شده بود. (در خانه ای که نان نباشد کمبود همه چیز حس می‌شود) رفتم نانوایی، نوبت که بمن رسید مثل همیشه سعی کردم حرفی بزنم تا شاید برای لحظاتی مرهمی باشم بر خستگی و ناکامی های کارکنان نانوایی. کارگری که نان از تنور بیرون می‌آورد تا چشمش به من افتاد گفت: «چیزی بگو که حال منو خوب کنه. کلافه ام»

پرسیدم: «چی شده آقا بهم؟»

گفت: «سه میلیون وام گرفته ام و برای بچه ام موبایل خریدم تا بتونه درس بخونه»

مردی که پشت سرم بود، گفت: «خوش بحالت» و چندین بار با افسوس و شادی گفت خوش بحالت.

کنجکاو شدم. گفتم: «چطور مگه؟!»!

گفت: «من سه تا بچه محصل دارم، سه میلیون وام گرفتم و گوشی (اندروید هم نمی گفت میگفت گوشی های پنهان) برای بچه هایم خریدم، فردای آنروز که از سر کار برگشتم دیدم همسرم، کارد بهش بزنی خون ازش نیامد، با تغیر گفت این گوشی تلفن را بردار یک جایی آواره کن!»! گفتم «برای چی؟» گفت: «امروز بچه ها بجان هم افتادند هیچکدام هم نتوانستند درس بخوانند» آزرده خاطر و پریشان نفهمیدم چطور غذا خوردم. فردا صبح رفتم پیش مدیر کارخانه و گردن کج کردم و شرایط خانه ام برایش تعریف کردم با کلی خواهش و تمنا پذیرفت که وام سه میلیون تومنی در اختیارم بگذارد. بعد چند روز گوشی تلفن دیگری خریدم و پیروزمندانه وارد خانه شدم آن شب احساس غرور میکردم و فردا با امید و نگرانی رفتم کارخانه تا ظهر هم خوشحال، هم نگران اقساط وام هایم بودم. ظهر آمدم خانه، باز دیدم هیچکس به استقبال نیامد. خودم را به همسرم رساندم و نگران پرسیدم چی شده؟!!

گفت: «بچه ها سه نفرند و به سه گوشی تلفن نیاز دارند» کوهی بر شانه هایم فرو ریخت. فردا دست به دامن همکاران شدم. از کس و ناکس تمنا کردم. حالا من موندم و قسط های معوقه. یک ماه این را میدم یک ماه آن یکی.

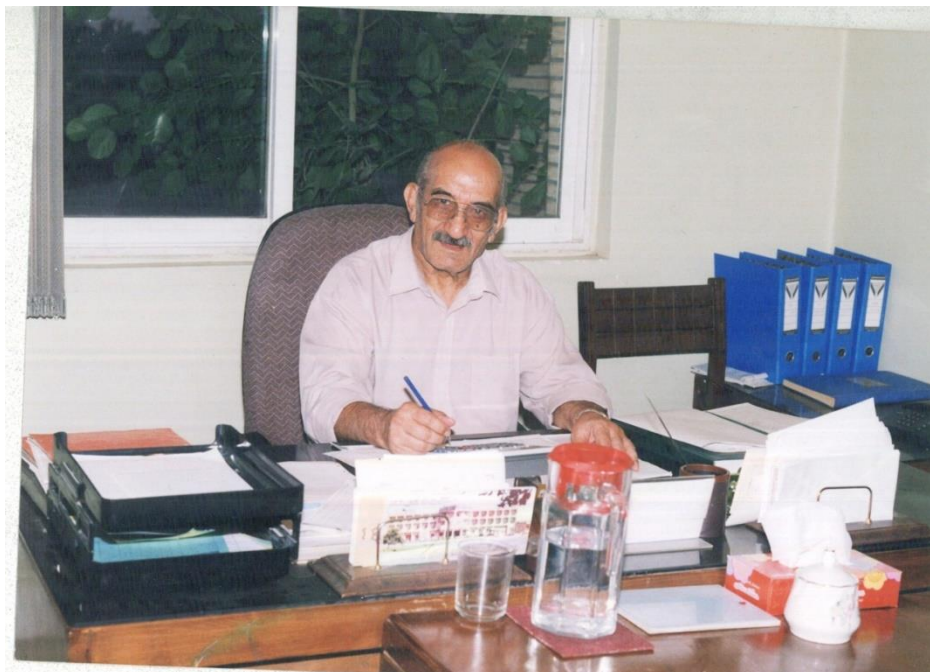
و دست در جیب کرد و گفت: «من خودم از این گوشی های کوچک استفاده میکنم»

بهمن کارگر ناوایی خندید! میدانم از غصه ی مرد یا از شادی اینکه یک بچه بیشتر ندارد!

(اکبر خوش خرام)



یک ایرانی شهردار فرانکفورت شد. قصدم از بیان این خبر فخر فروشی و شادی و ابراز غرور ملی گرایانه نیست، گرچه انکار نمی‌کنم خوشحالم از این رخداد. اما قصدم بیان نکته دیگری است. نرگس اسکندری را از نزدیک نمی‌شناسم اما حدس می‌توان زد زنی که توانسته شهردار سومین شهر مهم آلمان، شهردار قلب اقتصادی آلمان و بلکه اروپا شود، زن قابلی است. اما نکته اینجاست که این زن در کشور خودش زندانی سیاسی بوده او که فرزندش را هم در زندان اوین به دنیا آورده چه بسا با خیل گروه زندانیان دهه شصت اعدام می‌شد. اما او به آلمان می‌گریزد، اینجا دانشگاه می‌رود، روانکاو می‌شود، در حزب سبزها فعالیت می‌کند و سرانجام به مقام شهرداری فرانکفورت می‌رسد. آیا زنی که توانایی شهرداری فرانکفورت را دارد نمی‌توانست شهردار تهران باشد؟ یا یک وزیر یا حتا رئیس جمهور؟ چگونه یک نظام استعدادهای انسانی کشور را به زندان می‌افکند و یا اعدام می‌کند و سیستم و نظامی دیگر این گریختگان از وطن را تا به این مرتبت فرامی‌کشاند یا اجازه صعود می‌دهد؟ آیا این نمونه بسنده نیست راز فروپاشی نظام مدیریتی نظام "مقدس" جمهوری اسلامی و قدرت و سامان نظام نامقدس و زمینی یک کشور اروپایی را دریابیم؟ و پرسش آخر: اگر نرگس اسکندری در ایران مانده بود، اکنون سرنوشت اش چه بود؟ و راستی چند نفر از اعدامیان زندان های ایران بودند که می‌توانستند نرگس اسکندری بشوند اما به ایشان این شانس داده نشد؟



**در تجلیل از مقام انسانیت و سندیکالیست بزرگ و سازماندهی
گرانسنگ، محمد حسین خوان یغما از رهبران سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ایران در دهه ۴۰**

چه زیبا م. آراین سندیکالیست نوشته است:

کسی که وقتش، دانشش، جوانی اش، سلامتی اش و جان خود را برای سعادت و خوشبختی من و تو می دهد، انسان نادان و ساده اندیش و منفعت طلبی نیست. او انسان با مسوولیتی است که ما او را نشناخته ایم. بی تفاوت نباشیم. موريس مترلینگ اندیشه ورز اروپایی گفته است: « افراد زیادی در پیاده روهای شهر من هر روز از کنارم می گذرند. آنان مردگانی هستند که به مرخصی در این دنیا آمده اند»

بر فراز قله خوان یغما



امروز ۹ مهرماه ۱۴۰۰ گروه کوهنوردان فلزکار به قله ۳۴۰۰ متری خوان یغما در جاده چالوس صعود کرده و یاد این کوهنورد ارزشمند را گرامی داشتند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ضمن پاسداشت یاد این همنورد بزرگ از فدراسیون کوهنوردی انتظار دارد برای قدردانی از زحمات پیشکسوتان کوهنوردی قله‌هایی را در زمان حیات این عزیزان به نام‌شان ثبت کند. گروه کوهنوردان فلزکار پیگیر ثبت این قله به نام محمدحسین خوان یغما خواهد شد.

اندر مصائب منشی مطب‌ها

«خدا شناخته‌ت دکتز نشد» «بدبخت واسه ماهی یه تو من نشستی پشت میز فکر کردی دکتزی» «مرض داری دکتز دیر میاد زودتر نوبت میدی» «غلط می‌کنی واسه نشون دادن آزمایش و عکس و سونوگرافی دوباره پول میگیری»

این جملات و جملاتی مشابه حرف‌هایی هستند که منشی مطب‌های پزشکی در طول روز از طرف بیماران و همراهانشان با بدترین لحن و گاه همراه با توهین‌هایی به مراتب رکیک با آن مواجه هستند. و حالا می‌رسیم به این بخش: «اگر عرضه نداری مریض رو ۲-۳ ساعت نگهداری برو کسی دیگه رو جات بذارم» «قشنگ مریض‌ها رو جمع کن تا من برسم» «این حقوق که اداره کار تعیین کرده واسه کارگریه که تابستون جلوی آفتاب و زمستون توی برف و سرماست نه منشی که کنار بخاری و زیر کولر میشینه» «این حقوق برای ۸ ساعت کار تعیین شده وقتی منشی یه شیفت و ۶-۷ ساعت میاد مطب حق نداره حقوق تعیین شده‌ی اداره کار بخواد» «عیدی حتی با بیش از ۲ سال سابقه‌ی کار برابر حقوق یک‌ماه میشه نه دوبرابر» «اگر به مأمور بیمه اسم خودت رو بگی کسی از اقوام، دوست و آشنایان دکتز، به اسم منشی مطب ایشان بیمه شده است، باید جمع کنی بری» «حق نداری راجع به حقوقت به کسی چیزی بگی اگر نه جمع می‌کنی میری» «هزینه‌ی خرید ماسک و دستکش و محلول ضد عفونی دست به عهده‌ی خودته» «کرونا باشه یا نباشه حقوق همینه، می‌ترسی مریض بشی نیا مطب کسی دیگه رو میارم» «مریض چرا صداش دراومده، بیخود کردی فلان حرف رو زدی که مریض من عصبانی بشه» «بی‌خود با مریض‌ها گرم میگیری و باهاشون زیاد حرف می‌زنی، پر رو میشن میان میگن نداریم ویزیت از مون نگیر» «عرضه نداری ویزیت مجدد بگیری بگو کسی دیگه رو بیارم» «حق نداری به مریض میگی تخصص دکتز ما نیست-در حالی که علت مراجعه در تخصص آن پزشک نبوده- و مریض‌ها رو می‌فرستی جای دیگه»

«حق نداری بیشتر از فلان مبلغ کارت بکشی» «حق نداری فلان ساعت‌ها کارت بکشی» «درسته من چند روز نیستم ولی تو باید بیایی بشینی مطب»

این جملات و جملات مشابه دیگر هم سهمی از دریافتی‌های روحی روانی و رفتاری جمع‌کنیری از منشی مطب‌هاست.

زحمات کادر درمان به‌ویژه پرستاران و پزشکان بر کسی پوشیده نیست و به ویژه طی چند سال اخیر که ویروس منحوس کرونا جهان را به زانو درآورد بیش از پیش اهمیت کار ایشان آشکار شد و آنچه در شرح مصایب آمد قطعاً و یقیناً همه‌گیر نیست و وجهی اجتماعی و معرفت‌پاسداران سلامت بالاتر از آن است که بتوان رفتار اقلیتی را تعمیم داد.

اما آنچه هدف از نشر این مطلب بوده لزوم توجه عموم مردم در برخورد با منشی مطب‌ها و همچنین مدیران و مسئولان ذیربط در اداره‌ی کار و امور اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و دیگر سازمان‌ها، ادارات و نهادهای مرتبط است.

توجه داشته باشیم در بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی جمع‌کنیری از منشی مطب‌ها که اکثراً هم خانم و در بسیاری موارد سرپرست خانواده هستند با حقوقی کمتر از میزان تعیین‌شده‌ی اداره‌ی کار - که خود جای بحث دارد - مشغول به کار هستند و در بسیاری موارد به علت عدم دقت لازم مأموران بازرسی تأمین اجتماعی در تأیید هویت منشی با چک کردن کارت‌ملی، شناسنامه و... و با پرسش سرسری از کدملی بیمه‌شده، منشی‌ها بدون بیمه مشغول به کار هستند.

لازم است بیش از پیش مراقب جهان اطراف خود باشیم و با ذکاوت بیشتری در این اوضاع و شرایط بد اقتصادی و زیستی هوای همدیگر را داشته

باشیم

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی



در ترکی می گویند بار درخت هر چقدر زیاد باشد سرش را پایین می اندازد.

یکی از فامیل‌های بمن زنگ زد که: « کجایی ؟ بیا ... کارت دارم»

تعجب کردم چون آنها همیشه ما را بچشم نوکر نگاه می کنند. شاید از لحاظ مال و ماشین و قدرت و مقام از ما بالا باشند، اما به چشم مردم چطور؟ انسانیت چطور؟

رفتم پیشش با پوزخند مسخره ای گفت: « کازیم در تبریز از تو صحبت بمیان آمد از من پرسیدند می شناسی؟ با خودم گفتم (پوخوا سیده قویاسان) گفتم نه. وقتی دیدم از تو تعریف می کنند که فعالیت در هنر و موسیقی و نویسندگی دارد، گفتم آره فامیل ماست. قرار گذاشتم هفته آینده بیایند باغ. تو هم بیا کمی (دئه به نو)

بگو بخندیم. راستی کتاب نوشتی؟ (سنون قیفیوا یئمی بی ایشلر) به قیافه ات نمیداد اینجور کارها، از کجا یاد گرفتی؟»

گفتم: «انسان نمی تواند در یک آب یک بار شنا کند چون هم زمان می رود هم آب. من هم از بزرگان و ادیبان چند مطلب یاد گرفتم. آنها من را به شاگردی قبول کردند من هم در حد ابتدایی تلاش می کنم. تشویق می کنند. شما که مادرزاد استاد هستید، ثروت و اموال از سرتان می ریزد، پست و مقام در حد وزیر، همیشه در خارج از کشور، بفرما چه کرده اید؟»

اجازه بده بزاریم کانال مردم نظر بدهند در ضمن دنبال دلکچ دیگری بگرد من نمیام.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

اقتضای تداوم مبارزات و اعتراضها به شکل های گوناگون این وظیفه را همچنان در برابر کوشندگان سندیکایی و کارگری قرار می دهد که با کار خستگی ناپذیر در راه ارتقای سطح سازمان دهی و همبستگی بکوشند. غلبه بر وجود ضعف در همبستگی ها، یکی از وظیفه های مهم در این مقطع زمانی است. تشدید مبارزه، قدرت مانور و امکانات جنبش کارگری و سندیکایی را در برابر ترفندهای سرمایه داری را افزایش می دهد. وظیفه مقدم در وضعیت حساس کنونی تأکید بر مبارزه و اتحاد عمل فراگیر بین تمامی زحمتکشان از هر شغلی است.

چرا باید علوم انسانی بخوانیم؟ پاسخ سارا شریعتی

◆ به‌دلیل اینکه علوم انسانی و علوم اجتماعی به ما این امکان را می‌دهد که ذهن پرسشگر داشته باشیم.

◆ به ما این امکان را می‌دهد که وضع موجود را به چالش بکشیم.

◆ به ما امکان این می‌دهد که بهتر بفهمیم تا بهتر بتوانیم تغییر بدهیم.

◆ علوم اجتماعی و علوم انسانی در واقع یک خصلت رهایی‌بخش پیدا می‌کند. از چه چیزی رهایی پیدا می‌کنیم؟ از همین‌ی که هست.

◆ از دیکتاتوری واقعیت موجود، از دِترمنیسم (جبرگرایی) و تعین‌گرایی تام و تمام.

◆ از اینکه من زندانی طبقه‌ام بشوم، زندانی محیطم، زندانی محله‌ام، زندانی یک تعلقاتی که نمی‌پسندمشان [بشوم].

◆ همه تحقیقات نشان دادند که در میان کسانی که بمب‌گذاری کردند و در این جریانات تروریستی داعش و القاعده و این‌ها بودند، کمترین سهم از آن تحصیل‌کردگان علوم انسانی بوده و بیشترین سهم از آن مهندسان بوده در کسانی که تحصیل کرده‌اند.

◆ جامعه در واقع برای اینکه بتواند به خودش فکر کند، به نظمش فکر کند، بن بست‌شکنی کند و به راه‌های رهایی‌اش فکر کند، طبیعتن به این علوم بیش از هر چیزی احتیاج دارد.

وضعیت نمایندگان مجلس سوئد: شستن ظرف غذا، استفاده از وسایل نقلیه عمومی، حقوق کمتر از یک معلم ساده

این مجلس فقط ۳ خودرو برای مناسبت‌های رسمی دارد. انتظار این است که نمایندگان از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند. تا سال ۱۹۵۷ میلادی یا ۱۳۳۶ شمسی حقوق اصلن دریافت نمی‌کردند، الان حقوقشان ۴۰ هزار کرون سوئد است؛ کمتر از حقوق یک معلم ساده. برای رفت و آمد، سالیانه کارت بلیت اتوبوس به ایشان داده می‌شود. نمایندگان حق ندارند حقوق خودشان را بالاتر ببرند. فقط به نمایندگانی آپارتمان مسکونی داده می‌شود که ساکن استکهلم نباشند. آپارتمان ۴۵ متری بدون اتاق خواب جداگانه. دوست و فامیل‌شان حق ندارند شب را آنجا بمانند، مگر اینکه هزینه اقامت آن شخص را بپردازند. در مجلس خدمتکار وجود ندارد، هر نماینده هزینه غذای خودش را خودش می‌پردازد و ظرف غذایش را هم می‌شورد. نماینده دستیار ندارد، منشی هم ندارد. خودش برنامه‌های کاری خودش را تنظیم می‌کند و تلفن‌هایش را جواب می‌دهد. اگر تاکسی کرایه کند، انتظار این است که نزدیکترین مسیر را انتخاب کند.

مجلس اشتراک مهمترین رسانه‌های کشور را دارد و همه رسانه‌ها برای نمایندگان رایگان است که مشترک استفاده می‌کنند. اگر بخواهند سفر کاری بروند، باید ارزان‌ترین گزینه مثلاً کوپه ارزان‌تر قطار را انتخاب کنند. برای سفر خارجی حق دارند حداکثر ۵۰ هزار کرون معادل ۵۴۰۰ دلار هزینه کنند.

هیچ‌گونه پرداخت حقوق مادام‌العمر ندارند، بلکه فقط تا دو سال بعد از پایان دوره نمایندگی به شرط اینکه ثابت کنند که به‌دنبال کار بودند، می‌توانند تا وقتی که کار گیر بیاورند معادل ۸۵ درصد حقوق نمایندگی‌اشان را دریافت کنند.

سیاست‌مداران محلی که اصلاً حقوق دریافت نمی‌کنند چون کار سیاسی محلی، کار عمومی محسوب می‌شود و حقوق ندارد.

علم و طبیعت

در عالم ریاضیات، یک عدد هست که باعث تعجب همگان شده!!! عدد ۲۵۲۰ که بر تمام اعداد از ۱ تا ۱۰ قابل تقسیم هست بدون اینکه هیچ اعشاری بیاره.

عدد ۲۵۲۰ را ابتدا به ساکن فکر می کنید که یک عدد طبیعی و ساده است، در صورتیکه اینطور نیست. این عدد حتی نخبگان ریاضی را به تعجب وا داشت. نکته عجیب و غریب این عدد این است که این عدد به تمام اعداد ۱ تا ۱۰ چه زوج و چه فرد قابل تقسیم است. و وقتی که می‌گوییم قابل تقسیم است، یعنی بدون اعشار:

$$۲۵۲۰ = ۱ \div ۲۵۲۰ \quad ۱۲۶۰ = ۲ \div ۲۵۲۰ \quad ۸۴۰ = ۳ \div ۲۵۲۰$$

$$۶۳۰ = ۴ \div ۲۵۲۰ \quad ۵۰۴ = ۵ \div ۲۵۲۰ \quad ۴۲۰ = ۶ \div ۲۵۲۰$$

$$۳۶۰ = ۷ \div ۲۵۲۰ \quad ۳۱۵ = ۸ \div ۲۵۲۰ \quad ۲۸۰ = ۹ \div ۲۵۲۰$$

$$۲۵۲ = ۱۰ \div ۲۵۲۰$$

پس از آن که نخبگان ریاضی در فهم آن درماندند به این نتیجه رسیدند که این عدد حاصلضرب « $۱۲ \times ۳۰ \times ۷$ » است که با نگاه اول فکر می کنید که اعدادی تصادفی باشند، ولی نکته قابل تامل اینجا بود که این اعداد حاصلضرب روزهای هفته $۷ \times$ روزهای ماه $۳۰ \times$ ماه‌های سال ۱۲ است.

معلومه که شب و روز و ماه و سال همانند سایر پدیده های طبیعی بر مبنای محاسبه بسیار بسیار ... دقیق بوجود آمده اند.

پاسخ فیلسوف یونانی به سؤال " معنی زندگی چیست؟ "

فیلسوف یونانی دکتر پایادروس در پایان کلاس درسش با این پرسش به سخنرانی خود خاتمه داد: آیا کسی سؤالی دارد؟

یکی از شاگردانش به نام "رابرت فولگام" نویسنده مشهور در بین حضار بود و پرسید: جناب آقای دکتر پایادروس، معنی زندگی چیست؟

بعضی از دانش‌جویان خندیدند! اما پایادروس، دانش‌جویان خود را به سکوت دعوت کرد، سپس کیف بغلی خود را از جیبش درآورد، داخل آن را گشت و آینه گرد و کوچکی را بیرون آورد و گفت: «موقعی که بچه بودم جنگ بود، ما بسیار فقیر بودیم و در یک روستای دورافتاده زندگی می‌کردیم، روزی در کنار جاده چند تکه آینه شکسته، از لاشه یک موتورسیکلت آلمانی پیدا کردم. بزرگترین تکه آن را برداشتم و با ساییدن آن به سنگ، گردش کردم. همین آینه‌ای که حالا در دست من است و ملاحظه می‌کنید. سپس به‌عنوان یک اسباب‌بازی شروع کردم به بازی با آن و بازتابان نور خورشید به هر سوراخ و سنبه و درز و شکاف کمد و صندوقخانه و تاریکترین جاهایی که نور خورشید به آنها نمی‌رسید. از اینکه با کمک این آینه می‌توانستم ظلمانی‌ترین نقاط در اجسام و مکان‌های مختلف را نورانی کنم به قدری شیفته و مجذوب شده بودم که وصفش مشکل است. در واقع، بازتابان نور به تاریکترین نقاط اطرافم، بازی روزانه من شده بود. آینه را نگه داشتم و در دوران بعدی زندگی نیز هر وقت که بیکار می‌شدم آن را از جیبم در می‌آوردم و به بازی همیشگی خود ادامه می‌دادم. بزرگ که شدم دریافتم این کار یک بازی کودکانه نبود، بلکه استعاره‌ای بر کارهایی بود که احتمال داشت بتوانم در زندگی خود انجام دهم. بعدها دریافتم که من، خود نور و یا منبع آن نیستم، بلکه نور و به عبارت دیگر، حقیقت، درک و دانش جایی دیگر است و تنها در صورتی تاریکترین نقاط عالم

را نورانی خواهد کرد که من بازتابش دهم. من تکه‌ای از آینه‌ای هستم که از طرح و شکل واقعی آن اطلاع چندان درستی ندارم. با وجود این، هرچه که هستم، می‌توانم نور را به تاریکترین نقاط عالم، به سیاهترین نقاط ذهن انسانها منعکس کنم و سبب تغییر بعضی چیزها در برخی از انسانها گردم. شاید دیگران نیز متوجه این کار شوند و همین کار را انجام دهند. به طور دقیق این همان چیزی است که من به دنبال آن هستم. این معنی زندگی من است.»

دکتر بعد از پایان درس، آینه را به دقت دوباره در دست گرفت و به کمک ستونی از نور آفتاب که از پنجره به داخل سالن می‌تابید، پرتویی از آن را به صورتم و به دستهایم که روی صندلی به هم گره خورده بودند، تاباند و گفت:

به جایی که تاریک و ظلمانی است، نور ببریم.

به جایی که امید نیست، امید ببریم.

به جایی که دروغ هست، راستی ببریم.

به جایی که ظلم هست، عدالت ببریم.

به جایی که کدورت هست، مهر ببریم.

به جایی که جنگ هست، صلح ببریم.

و

🌀 این معنای زندگیست . . .

ظهور قدرت جهانی به نام چین!

با قدرت گیری اقتصادی و نظامی جمهوری خلق چین در عرصه جهان، چشم انداز تغییری اساسی در قدرت انحصاری سرمایه داری و امپریالیسم جهانی دیده می شود. توسعه و رشد اقتصادی چین زیر نظارت حزب کمونیست، شامل اتکای بنیادی این کشور به برنامه ریزی منظم و مدون، توسعه و رشد اقتصادی ملی به منظور توسعه نیروهای مولد به جای سپردن تام و تمام ارکان بنیادی اقتصاد به بازار آزاد سرمایه داری نئولیبرال، توسعه و بهره گیری گسترده از طیف وسیعی از فناوری های پیشرفته و به ویژه دیجیتالی، توجه جدی به بهبود محیط زیست، سرمایه گذاری های عظیم در پروژه های توسعه داخلی و بیرون آوردن بیش از ۸۰۰ میلیون چینی از زیر خط فقر و ارتقای سطح زندگی عمومی مردم چین، در پیش گرفتن شیوه های همکاری صلح آمیز با دیگر کشورهای جهان به جای برخوردهای زورگویانه و نظامی گرایانه و تبدیل چین به یکی از مهمترین موتورهای محرک اقتصاد جهان، امروزه این کشور را به قطب نوظهوری در مقابل قدرت های مسلط امپریالیستی آمریکا، اروپا و ژاپن تبدیل کرده است.

هر چند نگرانی هایی در مورد پیامدهای ناگزیر به کارگیری شیوه تولید سرمایه داری در جمهوری خلق چین وجود دارد، اما ظهور این قطب جدید اقتصادی و سیاسی در پهنه جهان، آن هم در حالی که دنیای سرمایه داری با بحران های ساختاری جدی و شدیدی روبروست و روز به روز زندگی زحمتکشانش را دشوار تر می کند، بی تردید عامل مهمی در واکنش های سیاسی و اقتصادی و تحول های منطقه ای در سراسر جهان خواهد بود.

جمهوری خلق چین در مبارزه با بیماری کرونا نشان داد که چگونه می توان جان مردم را بر سود ارجح دانست و آن را مهار کرد. (بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران)

شیوه و سطح زندگی در جامعه سوسیالیستی

«شیوه زندگی، یکی از عرصه‌های مهم مسابقه میان دو سیستم، یعنی سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. شیوه زندگی یک مفهوم عام و یک پدیده اجتماعی چند لایه است که مناسبات اقتصادی، اجتماعی، روحی، ایدئولوژیک، اخلاقی و خانوادگی افراد را در جامعه‌ای معین، در خود منعکس می‌کند. وقتی از شیوه‌ی زندگی سوسیالیستی سخن می‌گوییم، منظور، سیستم معین رفتار انسان‌ها است که به وسیله‌ی معیارهای اجتماعی و ارزش‌های فکری حاکم بر جامعه‌ی سوسیالیستی رهبری می‌شود؛ و هنگامی که سخن از شیوه‌ی زندگی بورژوایی است، منظور آن‌چنان شیوه‌ی زندگی است که بر معیارهای اجتماعی و ارزش‌های فکری جامعه‌ی سرمایه‌داری متکی است. در جامعه‌ی سوسیالیستی که در آن جمع زحمتکشان، آزاد از استثمار است، مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید وجود دارد، به بی‌عدالتی در توزیع درآمد ملی پایان داده شده، اصل عادلانه‌ی هر کس بر حسب کارش اجرا می‌شود، و ستم اجتماعی و فقر و واپس‌ماندگی فرهنگی توده‌ها وجود ندارد. ویژگی اساسی شیوه‌ی زندگی سوسیالیستی، نقش نوین کار در زندگی مجموعه‌ی جامعه، در زندگی هر واحد از تولید جمعی و در زندگی افراد است. مناسبات تولید سوسیالیستی از هر کس، شرکت حتمی در کار اجتماعی را طلب می‌کند، برای هر کس محل کار تضمین می‌کند، از سلامت او حمایت می‌کند و به او امکان می‌دهد از آموزش و تخصص بهره‌مند شود. اینکه هر فرد جامعه بر حسب نوع و میزان تخصص خود محل کار دریافت می‌کند، خصیصه‌ی ویژه شیوه‌ی زندگی سوسیالیستی است. کار به ویژه در مرحله ساختمان سوسیالیسم پیشرفته نه تنها منبع درآمد فرد بلکه عرصه‌ی اصلی تظاهر و رشد توانایی جسمی و فکری و خلاقیت و پیوند او با سایر افراد جامعه است. بر بنیاد مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، انضباط آگاهانه‌ی کار جانشین انضباط در جامعه‌ی سرمایه‌داری شده که مبتنی بر ترس از دست دادن شغل است. در جامعه‌ی سوسیالیستی به جای تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی و مبارزه برای ادامه‌ی زیست، مناسبات یاری متقابل و همکاری و علاقه به کار جمعی وجود دارد

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران



از شیخ هادی نجم آبادی پرسیدند:

آیا در اسلام موسیقی حرام است؟

جواب داد: "آن موسیقی حرام است که از صدای کشیده شدن کفگیر بر ته دیگ پلو همسایه غنی برخیزد، و به گوش اطفال گرسنه همسایه فقیر برسد" ..



دستات کثیفه اما نونت تمیزه

شمارو چشم ما جا دارید ❤️